ضمیمه روزنامه خراسان
چهارشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۹۸ • شماره ۱۲۹۳

حدیث روز

امام حسن(ع): خیری که هرگز شرّی در آن نیست، شکر بر نعمت و صبر بر ناگواری‌هاست.

تحف‌العقول

ذکر روز چهارشنبه

صد مرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

عوارض دنیاپرستی

استاد شهید مرتضی مطهری فرموده‌اند:

همه پستی‌های اخلاقی از دروغ و ریا و تملق و ظلم، ناشی از دنیاپرستی است و همه فضایل عالیه انسانی معلول بی‌اعتنایی و زهد و عدم قناعت به زندگانی دنیاست. **حکمت‌ها و اندرزها**

حکایت

عاقبت ظلم ظالم

شخصی به صاحبدلی دشنام داد. مرد حکیم می رفت و شکر می گفت. از او پرسیدند که موجب شکر چیست؟ گفت آن که او را دشنام ندادم.

ظلم ظالم ذخیره ای ست نکو
که در آخر نصیب مظلوم است
ظالم خیره عاقبت چو بخیل
خویشتن زان ذخیره محروم است

برگرفته از «پریشان» قاآنی

کاریکلماتور

رضا وارسته

* بعضی ها در تفریط افراط می کنند.
* بعد از کاشتن سیل، ویرانی «سبز» می شود.
* بهار ساز بلبل را کوک می کند!
* تقویم، بانک تعطیلات است.
* دوران باج سبیل عوض شده است!
* عده ای فقط دروغ هایشان راست است.
* فقط کارخانه «سلطان» سازی تعطیل نمی شود.
* اگر «آب» بندی می بود، سیل همه جا را «آب بندی» نمی کرد!

قرار مدار

اندکی صبر

به وقت دلتنگی

مهناز چالاکی

کاش می دانستی
حق دارم از تو بنویسم
دلم که خیس باران است
تا هوای تو را می کند
بودنت را لازم دارم
به وقت دلتنگی
کاش می دانستی...

همشهری سلام!
پذیرای داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و ایده‌های بامزه و جالب شماست.
مطالب خود را در پیام‌رسان تلگرام به این شماره بفرستید:
۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

دنیا به روایت تصویر

گتی ایمیج | جشنواره قایق‌های چینی

یاهو | بانوی پرندگان، انگلستان

تلگراف | زمان استراحت بین نمایش شوالیه‌ها

مناسبتی

ولادت حضرت ابوالفضل العباس(ع) و روز جانباز گرامی باد

یارمحمد خدنگی | شاعر

امشب که مه به چارم شعبان قرین بوَد
همراه با ولادت عباس(ع) نامدار
غرق نشاط و هلهله روی زمین بوَد
تبریک ما به مادرش ام البنین بوَد

***

عباس(ع) که در لشکر حق سرباز است
در باغ علی(ع) شکوفه ممتاز است
از عزم و اراده و مرامش پیداست
در مکتب ما نمونه و جانباز است

باس ماس

منتخب چی شده؟

آش علف بدون گوشت و گوشی در سیزده به در!

سلام و سال نوتون مبارک. برای چاپ منتخب پیامک هاتون فاصله افتاد ولی در عوض شما هم سنگ تموم گذاشتین! ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. پیامک های بی ربط و بی نام و بی مزه متاسفانه حذف شدن. چندتا از جمله های بانمک تر رو انتخاب کردیم که می خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.

* پدر: فعلا اوضاع اقتصادی خرابه، آواره شدیم و همین آب سبزیجات را بدون گوشت بخورید، خدا بزرگه! **مریم اباذریان**
* دختر: مامان امروز هم شلغم پختی؟ مادر: بخور خدا رو شکر کن، خیلی ها همینو ندارند، پدرتون که رفت سر کار آبگوشت درست می کنم! **نازنین ریخته گرچی**
* دکتر: راستی این دیگ و بشقاب و قاشق ها رو تو این جزیره از کجا آوردی؟ خانم: از «سعید مرادی» تو روزنامه خراسان گرفتم! **غلامرضا قلی پور، روستای به آباد**
* بعد از سی سال تازه دارم حال این دکتر رو می فهمم. همش با خانواده اش دور هم قاشق هاشون رو میزدن تو بشقاب، مثلا دارن غذا می خورن! **محمد قربانی مقدم**
* مادر: فکر می کنی چه روزی و توسط چه کسانی ما از این جزیره دور افتاده نجات پیدا می کنیم؟! پدر: مطمئنم سیزده به در و توسط ایرانی ها، چون اونا در این روز همه جا میرن! **سید حسین آروند**
* پدر: خانم جان، عوض این که در هفته یک کیلو گوشت ۱۰۰ هزار تومنی بخوری، ۱۰۰ کیلو علف مفت بخوریم، برای جوش و چین و چروک پوست هم خیلی خوبه! **سجاد دانشجو**
* بابا: همش مامان تون سوپ جو رو بدون مرغ بهمون میده! مامان: مرغ گرونه، حتی در سال اینا هم که میلیارد در هستن مرغ تو سوپ نمی ریزن! **مهرآسا جوان**

شعر طنز

عکس سلفی با هر که شد!

امیرحسین خوش حال | شاعر و طنزپرداز

رفته بودم یک مکان دیدنی
قدمت و معماری اش مطلوب بود
هر کس آمد آن مکان قبل از ورود
می گرفت هی عکس با دیوار و در
با درخت و نرده بان و پنجره
هی خودش را توی هر قابی گذاشت
او نداند آن مکان اصلا کجاست
عکس گیرد با مدل های عجیب
خانم شیک و به ظاهر محترم
شک ندارم لحظه تدفین خود
بعد هم از آسمانِ پُر ز ابر
از مکان های قشنگ میهنی
داخلش رفتیم و حسش خوب بود
گوشی اش را روی سلفی کرده بود
با کلنگ و دسته بیل و با تبر
عکس با این منظره، آن منظره
از بنای خالی او عکسی نداشت
کلّ عشقش عکس سلفی با فضاست
از بغل، از پشت، حتی از اریب
عکس گیرد از بغل با پای خم
عکس گیرد از خودش با هر که شد
عکس گیر د روح او با سنگ قبر!

تاپخند

- توسریال های کمدی ایرانی وقتی از یه جمعی می خوان یه نفریه قضیه رو توضیح بده، اگه همه با هم شروع نکنن به حرف زدن، اون سریال مجوز پخش نمی گیره؟!
- ولی اگه من برم عصر جدید و داورها بهم ضربدر قرمز بدن، داد می زنم: اصلا کی از شما نظر خواست؟!
- واقعا دماغ‌تون تو نوجوانی نچرال کوچیکه؟ من تو نوجوانی از دماغم به عنوان پل هوایی استفاده ابزاری می کردم!
- این که فلان خواننده رفته واسه برخی حادثه دیدگان خونده از لحاظ روانی خیلی بهشون کمک می کنه، می فهمن تو زندگی فاجعه‌های بزرگ‌تر از سیل هم وجود داره و خدا رو شکر می کنن!

دور دنیا

سوپرمارکت مثلث برمودا

آدیتی سنترال- خریداران سوپرمارکتی در شهر کوچک «گلاسترشر» در انگلستان اعلام کرده‌اند بعد از پارک کردن خودروی خود در پارکینگ این فروشگاه، با پدیده عجیبی روبه‌رو شده اند که سیستم مرکزی و قفل ماشین ها از کار می افتد! مدیران این سوپرمارکت که حالا به مثلث برمودای انگلیس مشهور شده است، هیچ توجیهی برای این اتفاق عجیب ندارند. باتری بسیاری از خودروها نیز با توقف در این محل خالی می شود!

زایمان ۹ پرستار یک بیمارستان در یک روز!

اسکای نیوز- ۹ پرستار بخش زنان و زایمان یک بیمارستان در آمریکا، به طور اتفاقی در یک روز زایمان می کنند. این پرستاران عکسی از خودشان را در اینترنت منتشر و اعلام کرده‌اند که روز زایمان همگی آن ها طبق برآورد پزشک در یک روز خواهد بود. عکس های این پرستاران که هنوز فرزندان‌شان متولد نشده، در شبکه های اجتماعی این کشور هزاران بار به اشتراک گذاشته شده است.

پرواز مادر و دختری

فاکس نیوز- خلبان «وندی رکسون» و دخترش برای اولین بار هدایت پرواز هواپیمای دلتا بوئینگ ۷۵۷ را از لس آنجلس تا آتلانتا به عهده گرفتند. در دقایق اولیه انتشار، این عکس مادر و دختر در کابین هواپیما ده ها هزار لایک را از آن خود کرد. این عکس را یکی از مسافرانی که اصرار داشت فرزندانش کابین هواپیما را از نزدیک ببینند و بعد از متوجه شدن نسبت خانوادگی این مادر و دختر گرفت و در فضای مجازی منتشر کرد.

موسیقی الکترونیک و دفع پشه‌ها

اسکای نیوز- مطالعه ای که روی یکی از قطعه های موسیقی «اسکریلکس» هنرمند موسیقی الکترونیکی انجام شد، نشان داد این قطعه موسیقی راهی موثر برای محافظت در برابر پشه هاست. به گفته گروه تحقیقاتی، صدا و دریافت آن برای تولید مثل، زنده ماندن و حفظ جمعیت بسیاری از حیوانات حیاتی است. در حشرات، ارتعاشات با فرکانس پایین موجب تداخلات جنسی و نویز باعث اختلال در درک سیگنال ها از بعضی گونه های خاص می شود. این قطعه موسیقی دارای ترکیبی از فرکانس های بسیار بالا و بسیار کم است که با پخش آن فعالیت تغذیه خون در این حشرات به شدت پایین می آید.

انگلیش آموزی

هرجا که جا شدی، لزوما اون‌جایی نیست که بهش تعلق داری.

تفأل

مردم در این فراق و در آن پرده راه نیست
یا هست و پرده دار نشانم نمی دهد
زلفش کشید باد صبا چرخ سفله بین
کان جا مجال باد وزانم نمی دهد

از اون لحاظ

دخترک کبریت و سیگار و فندک فروش

مهرشاد مرتضوی | طنزپرداز

دخترک دیگر از ایستادن در سرما خسته شده بود. پاهایش یخ زده بود و دست هایش می لرزید. دوباره با ته‌مانده توانش فریاد زد: «کبریت دارم. کبریت‌های خوب. فندک سه کاره با شعله اژدها. سیگارت، ترقه، هفت ترقه. بیا این‌ور بازار. پنج مغازه رو میدم فقط سه. نخری خاک تو سرت.» اما باز هم کسی توجه نکرد، چون هیچ کس در زمستان آن سال پول نداشت که وسایل آتش‌بازی بخرد. قطره اشکی از گوشه چشمش جاری شد. چشمش را پاک کرد و این بار پشت به جهت سوز سردی که صورتش را می‌زد ایستاد و دوباره فریاد کشید. اما کسی توجه نکرد.

دخترک که دیگر داشت یخ می کرد، داخل کوچه خلوتی رفت، آخرین قوطی کبریتی را که برایش مانده بود باز کرد و دید سه چوب کبریت بیشتر ندارد. اولی را روشن کرد و سیگاری گیراند. همین‌طور به بدبختی هایش فکر می کرد و پک های عمیق می‌زد که مردی او را دید. پرسید: «دختر جون تو مگه چند سالته سیگار می کشی؟» دختر از گوشه چشم نگاهی به او کرد و جواب داد: «چند سالمه که چند سالمه. خوب می کنم که چند سالمه! تازه سیگار خلاف سبکمه!» مرد بحث را به خاطر سن و سال و آبرویش بیشتر باز نکرد و سریع از محل دور شد.

دخترمدتی همان جا ماند، ولی باز سرما امانش نداد و کبریت دوم را هم آتش زد. با آن چیز قوی‌تری از سیگار گیراند و شروع به پک زدن کرد. به این فکر می کرد که یک چوب کبریت بیشتر برایش نمانده و ناپدری بدجنسش اگر او را با این وضع ببیند، ممکن است دیگر نگذارد کار کند و دوباره به مدرسه بفرستدش که از هر جنایتی علیه بشریت بزرگ‌تر بود. چند پک عمیق بیشتر نزده بود که ناگهان نورون‌های مغزش از هم باز شد و فهمید چه کند. با آن یک چوب کبریت باقی مانده وسط خیابان پرید و فریاد زد: «می دونین این چوب کبریت چقدر خاصه؟ یه دونه‌ش شمع‌های تولد فلان آقازاده رو روشن کرده اگه لایو اینستاش رو دیده باشین. اون یکی صرف روشن کردن بالون آرزوهای دخترِ وزیرِ فلان و بهمان و بیسار عمومی شده. دوتاشو اختلاسگرا بردن کانادا، باهاش تو غربت و غصه زیاد، گاز روشن کردن در کمال محرومیت نون و بوقلمون پختن. باور کنین واسه خونه خودمونم از همینا بردم. این آخریشه، نخری از دستت رفته.» و کبریت را به مزایده گذاشت. مردم هم که کلا فکر می کنند در این شرایط واقعا خبری است، جمع شدند و در مزایده شرکت کردند و یک چوب کبریت را به قیمت خیلی خریدند. دختر هم شادمان به خانه برگشت و همه پول ها را خرج عمل خودش و ناپدری‌اش کرد.

یادش به خیر

ما و شما

راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

* تو این دنیای وارونه کسی دردم نمی‌دونه، الهی همدمی باشه تو تنهایی این خونه، من از عشق تو دلتنگم، اینو هیچ کی نمی‌دونه، چقدر این حس دلتنگی، برام دلچسب و شیرینه...

بابک وزیری

* مطلب باران عشقت از آقای غلامی دل انگیز بود، ممنون.
* فردا تولد دختر عزیزم راحله و دختر نازش سلنا جونه، تولدتون مبارک.
* از خانم سرگزی مسئول بیمه بیکاری اداره کار تشکر می کنم که بسیار صبور و مودب حتی در اوج شلوغی پاسخ گوی مردم هستند. کاش تمام کارمندان و مسئولان این گونه باشند.
* آدمی رو که دقیقا می دونه کجا داره میره، نمیشه متوقف کرد.

مسعود مجنونپور

* دختر دایی عزیز و گرامی سحر خانم، رهایی یافتن از مشکل پیش آمده و تولد دوباره ات را تبریک گفته و بهترین هارو برات آرزومندم.

فرامرزی